

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۵ دسمبر ۲۰۱۹

پیش شرط "غنی احمدزی" برای استخدام همکاران: تبر در نفاق افگنی، هتاک، دهن دریدگی و دیده درائی!

۲

شنبه-۲۳ قوس ۱۳۹۸ - کابل:

۵- افرادی از قماش "داوود سلطانزوی" و بقیه "جواسیس تکنوکرات" که سوار بر "ب ۵۲" و با تکیه بر آن بر افغانستان مسلط ساخته شده اند، به همان سان که در قبال مجموع خلق افغانستان صادق نیستند و تلاش دارند تا از آنها استفاده ابزاری جهت تحکیم مناسبات استعماری- ارتجاعی در کشور نمایند، در برخورد با نسل جوان کشور سخت ریاکارانه برخورد شتر مرغی نموده با ریختن خون آنها به دست همزادان طالب شان، می خواهند خود را بر سریر قدرت نگهدارند.

اینها زمانی که پای رفتن به جبهات جنگ و منافع فردی و گروهی خودشان است، خود را در نقش "پیر و پچل" ظاهر ساخته یکی در عقب "روغنی" مخفی می شود و آن دیگری در عقب "زهره یوسف"، و به صد ها هزار جوان را به میدان جنگ می فرستند تا در دفاع از منافع آنها کشته شوند در آن زمان "نه کرسی فلک" را زیر پای جوانان می گذارند، مگر زمانی که پای تقسیم امتیازات در میان باشد باز به جوان حق بلند کردن صدایش را نمی دهند و از آنها می خواهند "خفه" شوند زیرا "دهن شان بوی شیر می آید".

این کثافت های فاقد وجدان حتا برای یک لحظه حاضر نیستند با خود خلوت نمایند و از خود بپرسند: اگر از "دهن آنها بوی شیر می آید" یعنی آنها صلاحیت ابراز نظر در مورد تعیین سرنوشت شان را ندارند، کدام وجدانی به کسی حق می دهد افراد "صغیر ذهنی" را به میدان جنگ بفرستند و ظرف ۵ سال حاکمیت این دارودسته جاسوس و آدمکش بیش از ۴۵ هزار تن از آنها را به کشتن دهند.

۶- من نمی خواهم در اینجا در دام استخباراتی "داوود سلطانزوی" بیفتم و جنگ نسل ها را دامن بزنم، اما در دفاع از نسل ما همینقدر می افزایم که پیران خرد باخته حد خود را بشناسند و بیش از این بر پای زخمین و خونین ما نسل جوان که تمام عمر ما را در بطن کثافتی لولیده و غلت خورده ایم که نسل شما فراهم ساخته است، فشار وارد نکنند. این را بدانند که سکوت ما و حرمت قایل شدن ما به بزرگسلان از ضعف نشأت ننموده، بلکه تربیت فامیلی اجتماعی ما چنان حکم می نماید. در غیر آن بسیار روشن است که کدام نسل نخست سوار بر طیارات "ایلوشن-توپولوف" و بعد تر با "ب ۵۲" و هرکولیس" در معیت دشمنان افغانستان و قاتلان فرزندان افغانستان، به کشور وارد شدند.

هموطنان گرامی!

دیدگاه و مواضعی را که افرادی از قماش "داوود سلطانزوی" در برخورد با نسل جوان اتخاذ می نمایند، مسأله فردی و سلیقه‌ئی این فرد و یا آن فرد نیست بلکه معرف ماهیت این گروه فاشیستی و ضد مردم می باشد. تاریخ فاشیسم حین سلطه آنها در ایتالیا و المان به وضاحت نشان می دهد که در آنجا هم جوانان گوشت دم توپ تحقق اهداف و برنامه های فاشیستی بود. حین ضرورت این "جوانان هیتلری" و "مدافعان موسولینی" بودند که در سرکها و خیابانها رژه رفته به وسیله آنها مخالفان شان را قلع و قمع می نمودند مگر با رسیدن به هدف، با قساوت غیر قابل وصفی به جان آن عده از جوانانی می افتادند که در نظر و یا عمل و حتا در تفکر غیر از فاشیسم می اندیشیدند.

هموطنان گرامی!

وقتی امروز فردی چون "داوود سلطانزوی" در یک جلسه علنی و جلو روی تمام رسانه ها ایستاده می شود و به طرف مقابل خود حق نمی دهد تا صحبت کند زیرا وی را جوان و کسی می داند که گویا از "دهانش بوی شیر می آید"، ذات چنین طرز تفکری بیانگر آن است که از دید گوینده، فقط افراد معین جامعه حق ابراز نظر دارند، آنهایی که جوان اند و یا هم کودک و نوجوان، از دید آنها اصلاً حق ابراز عقیده و نظر ندارند و این همان دموکراسی است که امپریالیسم با خود آورده است و این همان دموکراسی و آزادی بیان است که در فرهنگ فاشیسم مجاز دانسته می شود.

هموطنان گرامی!

به این نکته خود را خلع سلاح نسازید که طرف باید خودش جواب دهد، جمله "سلطانزوی" به استقامت نسل ما بیان شده است، وی می خواهد زیر نام "کم سنی" نسل ما را از حقوق دموکراتیک ما محروم سازد، لذا حمله به فرد خاص، حمله به تمام نسل جوان و نسل های آینده کشور است، باید علیه آن ایستاد، افشاگری و مبارزه کرد.

سرکها ما را می طلبد!!